

• **لُغَتِ فُرسِ ، اسدی طوسی**

لُغَتِ فُرسِ یا فرهنگ اسدی نام واژه‌نامه مهم و قدیمی است که اسدی طوسی شاعر سرشناس سده پنجم هجری آن را تألیف کرده است. گفته می‌شود نگارش این واژه‌نامه به تشویق اردشیر بن دیلمسپار قطبی نجمی (شاعر) بوده است. اسدی در این کتاب برای شرح غالب لغات، شاهد یا شواهدی از شاعران می‌آورد. ترتیب واژه‌های این واژه‌نامه بر پایه حرف آخر آن‌ها است. اسدی همان‌گونه که خود در کتاب لغت فرس گفته است این کتاب را برای آن نوشت تا شاعران و نویسندگان پارسی‌زبان سرزمین‌های غربی ایران که با برخی از واژه‌های به‌کاررفته در خراسان و فرارود آشنایی نداشتند بتوانند مشکلات لغوی خود را به یاری این کتاب رفع کنند.

• **فرهنگ قواس، فخرالدین مبارکشاه غزنوی**

اولین فرهنگی که در هند تألیف شده فرهنگ قواس به تألیف فخرالدین مبارکشاه غزنوی معروف به فخر قواس یا فخر کمانگر است. ظاهراً قواس قبل از سال 699 فرهنگ خودش را نوشته است. برنی در تاریخ فیروزشاهی او را از شاعران علاءالدین خلجی می‌داند و می‌گوید این کتاب را به نام وزیر (که اسمش را نمی‌برد) موشح کرده است. این وزیر به تحقیق مرحوم نذیر احمد باید «ملک نصرت جلیسری» باشد که دستور یا وزیر علاءالدین خلجی بوده است؛ بنابراین فرهنگ قواس باید در دوره وزارت او و قبل از سال 699 تألیف شده باشد. فرهنگ قواس یک فرهنگ دستگامی است. فرهنگ دستگامی در قاموس فرهنگ‌نویسان به فرهنگی گفته می‌شود که لغات را به لحاظ موضوعی مدون کرده باشند. در عربی لغت دستگامی زیاد داریم. نخستین فرهنگ فارسی که به این صورت در هند نوشته شده همین فرهنگ قواس است و ظاهراً در هند پیش از آن کتاب دیگری نوشته نشده است. قواس می‌گوید لغات پارسی و پهلوی یعنی پارسی‌های مهجور را من گرد آوردم. وی به منابع خودش اصلاً اشاره نمی‌کند. ظاهراً مرادش از فرهنگ‌های ترجمه کرده فرهنگ‌های دوزبانه است که عربی به فارسی است. هیچ اشاره‌ای به اینکه فرهنگ‌نامه‌هایی که آنها را فرهنگیان نوشته‌اند چه بوده نمی‌کند؛ ظاهراً مقصودش لغت فرس اسدی است. قواس بیشتر مدخل‌های کتاب خود را از اسدی گرفته است. با این تفاوت که اسدی برای آنها از شعرای مقدم بر خودش شاهد آورده، اما قواس از شعرای بعد از اسدی هم شاهد ذکر

می‌کند. این فرهنگ پنج بخش دارد و در میان فرهنگ‌نویسان هندی به فرهنگ پنج بخشی هم معروف بوده است. هر بخش چند گونه دارد. گونه نخست بخش اول درباره نام‌های خداوند و گونه دوم در نام‌های فرشتگان، پیامبر، کتاب‌ها و دین هاست؛ و قس علی هذا. در هیچ جای این فرهنگ غیر از شاهنامه به کتاب دیگری اشاره نشده، ولی پیداست که وی منابعی داشته است زیرا مقداری لغت که در شاهنامه نیست در این کتاب مدخل شده است.

• صحاح الفرس، محمد بن هندوشاه

کتاب صحاح الفرس یا فرهنگ محمد بن هندوشاه کهن‌ترین لغت‌نامه موجود فارسی به فارسی پس از لغت فرس اسدی است. مولف فرهنگ جهانگیری ضمن بیان منابع فرهنگ خود از آن با نام فرهنگ محمد بن هندوشاه یاد کرده است. مصنف آن شمس الدین محمد بن فخرالدین هندوشاه نخجوانی مشهور به شمس منشی از نویسندگان نامی قرن هشتم هجری است. وی این کتاب را در سال ۷۲۸ هجری قمری در شهر تبریز در تصحیح لغات طوایف فرس و تنظیم و تکمیل کتاب لغت فرس اسدی، به وضوح صحاح الغه جو عری تصنیف کرده است. این کتاب در ۲۵ باب دارای چهارصد و سی فصل و دو هزار و سیصد لغت (اغلب لغات بسیط نه مشتقات و ترکیبات و کنایات) با شواهد متعدد برای هر لغت و یک دیباچه نسبتاً مفصل توسط دکتر عبدالعلی طاعتی تصحیح انتقادی شده و به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب بطبع رسیده است.

• فرهنگ جهانگیری، جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی

فرهنگ جهانگیری لغت‌نامه‌ای فارسی است. جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی، ملقب به عضدالدوله، در سال ۱۰۰۵ ق. فرهنگی به نام اکبر شاه شروع و در سال ۱۰۱۷ آن را به اتمام رسانید. سپس به تجدید نظر آن پرداخت. و در سال ۱۰۳۲ نسخه مجددی از آن را

به پادشاه هند، جهانگیر، فرزند اکبر عرضه داشت. این مجموعه لغت به فرهنگ جهانگیری شهرت دارد. این کتاب که صرفاً محتوی لغاتی است که عادتاً آنها را فارسی می‌شناسیم، برای هر لغت شواهد شعری آورده‌است، از بهترین و دقیق‌ترین فرهنگ‌های زبان فارسی است.

- **فرهنگ رشیدی، عبد الرشید بن عبد الغفور حسینی مدنی تتوی**

فرهنگ رشیدی، یکی از فرهنگ‌های فارسی که دو سال پس از تألیف برهان قاطع، در سال ۱۰۶۴ (قمری) توسط عبد الرشید بن عبد الغفور حسینی مدنی تتوی که به دربار اورنگ زیب پادشاه هند انتساب داشته، تألیف شده است.

- **لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا**

لغت‌نامه دهخدا کتابی پر حجم شامل شرح و معنی واژه‌های آثار ادبی و تاریخی زبان فارسی است. این لغت‌نامه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثر علی‌اکبر دهخدا است، که بیش از ۴۰ سال از عمر او صرف آن شد. لغت‌نامه دهخدا معنی، تفسیر، و شرح تاریخی شمار قابل توجهی از واژه‌های عربی را نیز داراست.

لغت‌نامه بزرگ دهخدا شامل بخش بزرگی از واژگان ادبی زبان فارسی، با معنای آن‌ها و نیز کاربردشان در شعرها است. با وجود این، این لغت‌نامه فاقد بخش اعظم واژگان علمی و فنی فارسی است که بیشتر در دهه‌های پس از تألیف لغت‌نامه به حوزه زبان فارسی وارد شدند. نسخه چاپی فعلی لغت‌نامه ۶۷۲۶۵ صفحه سه‌ستونی قطع رحلی با حروف ریز دارد.

- **فرهنگ عمید، حسن عمید**

فرهنگ عمید واژه‌نامه‌ای است که در دو جلد به چاپ رسیده است. این فرهنگ‌نامه شامل واژه‌های فارسی، لغات عربی، اروپایی و ترکی به کار رفته در زبان فارسی است که به همراه اصطلاحات ادبی و علمی به دست حسن عمید نوشته

شده‌است. حسن عمید در سال ۱۳۳۲ واژه‌نامه‌ای را به نام فرهنگ نو تکمیل و به چاپ رسانید که جلد اول آن در سال ۱۳۰۸ به چاپ رسیده بود. اما فرهنگ فارسی عمید نخستین بار در سال ۱۳۳۵ در ۹۳۶ صفحه با قطع کوچک چاپ شد و بعد از گذشت ده سال این فرهنگ با اصلاحات و افزودن واژه‌های بیشتر در سال ۱۳۴۲ هجری خورشیدی و در ۱۱۱۴ صفحه با سرمایه کتابخانه ابن سینا چاپ شد.

- Tuhfe-yi Şahidi, İbrahim Şahidi
- Lüğat-i Ni'metullah, Nimetullah-ı Rumi
- Ferheng-i Ziya, Ziya Şükün
-